

سمینار فقرزدائی و سنگ پای قزوین

تشکیل شود، نقل می‌کنم و بعد می‌روم سراصل مطلب:

- بررسی مسئله فقر در ایران و تعیین خط فقر و حداقل معیشت با توجه به وضعیت

اقتصادی کشور

- روشهای اجرایی و کاربردی تشخیص افراد فقیر در کشور

- بررسی نحوه هدایت و تخصیص یارانه در راستای فقرزدایی

- ارائه دیدگاهها درباره ایجاد مشاغل زود بازده و حل مشکل اشتغال اقشار فقیر

جامعه

- آثار فرهنگی و اجتماعی فقر

- توزیع درآمد و فقر

بنده از آن گروه افرادی هستم که صمیمانه معتقدم در پرتوی اجرای سیاستهای

اقتصادی برنامه‌ریزان سازمان برنامه و بودجه که مرحوم برنامه اول ثمره

مجاهدتهای ایشان بوده و برنامه دوم را هم با همان دقت برنامه اول، بدون الهام

گرفتن از توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تدوین کرده‌اند و هم

اکنون سرگرم اجرای آن هستند، مسأله فقر و فقیر در ایران حل شده است و لذا چون

کلمه فقر به تنهایی و یا همراه با پیشوندها و پسوندهایی نظیر «اقتشار» و «زدائی» و

«محو» در آن آگهی ۲۳ بار تکرار شده است به این نتیجه رسیدم که باید جمعاً ۲۳ نفر،

یا حداکثر ۲۳ خانوار فقیر در کشور باقیمانده باشد و فراخوان عزیزان برنامه‌ریز چی

برای آن است که تکلیف همین معدود فقرای باقیمانده را یک سره کنند و بعد بروند

برای فقرزدائی در کشورهای دیگر برنامه بریزند.

با این نتیجه گیری تصمیم گرفتم دعوت سازمان برنامه‌چی‌ها را لبیک گفته و

مقاله‌ای تقدیم کنم.

چون فرصت ارائه خلاصه مقالات تا پنجم فروردین تعیین شده بود، و می‌دانیم

ایام عید سرپرست‌خانه مبارکه شلوغ است و امکان دارد مقاله بنده به موقع نرسد، لذا

اصل آن را ذیلاً تقدیم می‌کنم:

پیشنهاد برای «محو آخرین بقایای فقر»

امتزاج نظریه‌های میلتون فریدمن- جان مینارد کینز- نسنوکینزوی‌ها-

نئوفریدمنی‌ها- وایت و امثالهم در دیگ زودپز برنامه اول و دیگ آرام‌پز برنامه دوم

مطلوب‌ترین آش اقتصادی- اجتماعی را که با ذائقه ایرانی‌ها کاملاً سازگاری داشت

فراهم آورد. افزودن جانشنی اختصاصی مکتب شیکاگو بر این معجون پر قوت آن را

تبدیل به نوشداروی واقعی کرد.

اکنون، یعنی در پایان ششمین سال توزیع این آش، می‌توان با غرور اجله‌علمای

علم اقتصاد را از سراسر گیتی به ایران فراخواند تا آثار این ابداع در اقتصاد را به

رای‌العین مشاهده کنند.

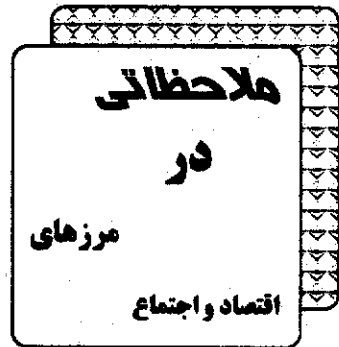
وجود دهها هزار اتومبیل آخرین مدل فقط در شهر تهران- مشاهده هزاران مدیر

مبتکر، خلاق و کارآفرین موبایل به دست- اقدام برای پیش‌فروش یک میلیون موبایل

جدید- وجود بی‌شمار برجهای تجاری و مسکونی در حال ساخت یا ساخته شده-

تشکیل تعداد زیادی شرکت هوایی- ارقام هنگفت سوءاستفاده‌های مالی (که

دانشگاه علامه قزوین



اواخر سال ۱۳۷۲، همان روزهای پرشکوهی که بنده هم مثل بقیه شهروندان عزیز تهران و توابع نزدیک بود در عدالت اجتماعی و اقتصادی غرق شوم و از زیادی رفاه- امنیت و آسایشی که از در و دیوار شهر بر سرم می‌بارید؛ حواسم کمی پرت شود و نتوانم راجع به «تداوم سازندگی» و «آبادانی ایران»، و ایضاً «عدالت اجتماعی و توسعه و مشارکت مردمی و نظارت» یک تصمیم بینابینی بگیرم که موجبات رضایت «تداوم دهندگان سازندگی» و «پخش‌کنندگان عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی» را پنجاه پنجاه جلب کند، خواندن یک آگهی عجیب حواسم را کاملاً پرت کرد.

این آگهی موقعی به چشمم خورد که فقط مانده بود تصمیم بگیرم اول اسم برادر رجانی خراسانی را که «اندیشیدن به آینده ایران» در گروهی رأی دادن به ایشان بود بنویسم، یا اسم برادر علی‌نقی خاموشی را که انبان‌های متعددی از «عدالت اجتماعی و توسعه» و «مشارکت مردمی و نظارت» را بر در و دیوار شهر آویزان کرده بود؟ آگهی چه بود؟

باورتان می‌شود اگر بنویسم عنوان آن «فراخوان مقاله گردهمایی بررسی فقر و فقرزدایی در ایران» بود؟ و باز باورتان می‌شود که اگر بنویسم تقریباً نصف صفحه یک روزنامه را آگهی کرده بودند تا ثابت کنند در ایران فقر وجود دارد و باید فقرزدائی کرد؟

راستش را بخواهید اگر آرام سازمان برنامه و بودجه و امضای روابط عمومی و امور بین‌الملل آن در زیر این آگهی چاپ نشده بود بنده به خودم حق می‌دادم تصور کنم در این روزهای میمون و پرشکوه که در و دیوار شهرها و دهات مملکت زیر فشار رفاه- عدالت اجتماعی و غیره و غیره در حال ترک برداشتن بود، یک عده اخلاک‌گر قصد دارند در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای محترم کارشکنی کنند.

اما نه!

امضای روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه و آرام این سازمان نشان می‌داد اخلاک‌گر و اخلاقی در کار نیست و موضوع را باید جدی گرفت. بنده هم موضوع را جدی گرفتم و آگهی را چند بار با دقت خواندم. اگر بخواهم تمام متن آگهی را نقل کنم حوصله‌تان سر می‌رود. فقط چند عنوان از «محورهای اصلی مقالات و سخنرانیهای گردهمایی» را که قرار است در همین اردیبهشت سال ۱۳۷۵

نشان دهنده حجم عظیم سرمایه بانکهای ما است). تعداد سمنارهای ملی و بین‌المللی برای بررسی جزئی‌ترین ناهنجاریهای علمی-اجتماعی (چون بحمدالله ناهنجاری عمده نداریم) وجود خانوارهایی که از کودک شیرخواره‌شان گرفته تا حتی محافظان ایشان هر کدام یک موبایل اختصاصی- یک اتومبیل اختصاصی و یک اپارتمان گران قیمت اختصاصی دارند و... موارد دیگری از این قبیل، مؤید این واقعیت است که به یمن برنامه‌ریزی برنامه‌ریزان متخصص، متعهد و میهن دوست ایرانی، ما از مدار بسته فقر خارج شده‌ایم و عن قریب در رده کشورهای پیشرفته قرار خواهیم گرفت.

وجود موارد فوق‌الذکر همچنین ثابت می‌کند تمامی وعده‌ها، پیش‌بینی‌ها و قولیانی که در آغاز توزیع آهن موصوف داده و ارائه شده بود تحقق یافته است و ملت قدرشناس ایران باید اکنون مجسمه برنامه‌ریزان و مجریان را از طلای ناب ساخته و در میدان‌های شهرها نصب کند. کردهمایی حاضر نباید این شبهه را ایجاد کند که فقر در ایران هنوز هم یک «مسئله» است. اینجانب وظیفه خود می‌دانم تصریح کنم اراده دیرکنندگان این کردهمایی در برپائی آن، خود دلیل غیرقابل انکاری است بر سعه صدر علمی ایشان. می‌دانیم در هر برنامه‌ریزی مدیریتی-اقتصادی و فروع ده درصد خطا و یا انحراف امری عادی و بپذیرفته شده است، اما برنامه‌ریزان و مجریان ما به دلیل همان سعه صدر و نیز کمال‌طلبی ذاتی خود، این درصد خطا را هم قابل چشم‌پوشی نمی‌دانند. و لذا کردهمایی فعلی را برای انتقال معنود افراد باقیمانده در وزیر خط فقر به بالای خط فقر تشکیل داده‌اند.

اینک وظیفه من است که مشخص کنیم (۱) چرا این غده معنود هنوز زیر خط فقر مانده‌اند. (۲) چه باید کرد که همین معنود افراد هم به بالای خط فقر نقل مکان کنند؟

آخر یادیدی علمی موضوع را مورد بررسی قرار دهیم، ناگزیر به اذعان این واقعیت خواهیم بود که انجام برخی اقدامات بی‌مورد و اجرای پاره‌ای سیاستهای پیش از موعد موجب شد پیش‌بینی‌های برنامه‌ریزان و مجریان عزیز ما صد تحقق نیابد و ایشان اکنون بابت عدم تحقق برخی از وعده‌ها و قول‌هایشان احساس شرمساری کنند. برخی از این اقدامات و سیاستهای بازدارنده از این قرارند:

الف- عدم بار کردن کالی دروازه‌های وارداتی، در حد چهار طاق، در دوره‌ای که دروازه‌های مزبور باز بود، و بستن دروازه‌ها پیش از آنکه ثمرات این ابتکار کاملاً آشکار شود.

ب- عدم تشکیل مناطق آزاد و حراست شده تجاری به تعداد کافی و با اختیارات مناسب.

ج- عدم تفویض اختیارات کامل به مدیران شبکه بانکی برای واگذاری اعتبارات بیشتری به افرادی نظیر فاضل خداداد.

د- قطع پرداخت پنج هزار دلار به هر فرد، بی‌هیچ قید و شرط.

ه- عدم قطع یکباره سوسید در همه زمین‌ها

و- عدم قدردانی از زحمات و ابتکارات مدیران مبتکر شبکه بانکی کشور (نمونه: برخی مدیران سابق بانک تجارت- بانک صادرات- بانک سپه شعبه پاریس و...)

ز- تغییر بی‌موقع روسای بانک مرکزی و گماردن آنها در پست‌های غیرکلیدی (نمونه: آقای عادل، که اگر باقی می‌ماند و سیاست پرداخت ۵ هزار دلار را ادامه می‌داد ای بسا تشکیل این گردهمایی دیگر لزومی نداشت)

ح- عدم تسریع در واگذاری صنایع دولتی به همان سبک و شیوه‌ای که ایران وانت و واحدهای مشابه واگذار شد.

ت- ایجاد مانع بر سر راه دولت در زمینه نشر اسکناس و شبه اسکناس

ی- عدم واگذاری اختیارات کافی به دستگاه‌های ذیربط برای خریدهای نسبه و یا استقراض از خارج

ک- عدم کوشش برای دریافت مالیات کافی از کارمندان و کسبه و پیشه‌وران، و اعطای معافیت‌های مالیاتی به سرمایه‌داران با هدف تشویق ایشان به گسترش بازار پربرکت سایه.

ل- اصرار در حسابرسی از شرکتهای دولتی در یکی دو سال اخیر

م- برقراری مجدد پیمان ارزی و اصرار در بازگشت شندرغاز ارزی که از صادرات عاید گروهی صادرکننده شریف و مستضعف می‌شود.

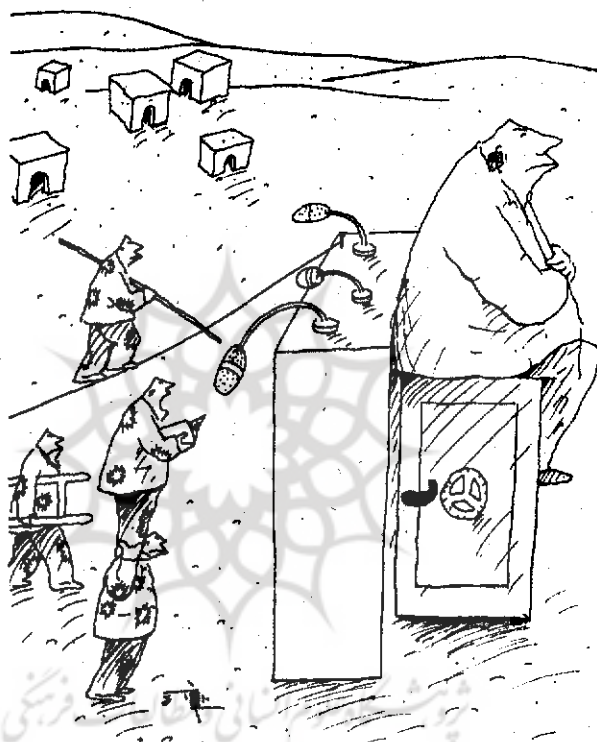
و...

حاضر محترم اذغان می‌فرمایند اگر قرار باشد بنده کلیه دلایلی را که موجب شده ما هنوز چند نفر فقیر داشته باشیم بر شمرم، از حوصله این گردهمایی خارج خواهد بود. بنابراین اجازه می‌خواهم پیشنهادات خود را برای ثروتمند کردن این معنود فقیر باقیمانده تقدیم کنم:

۱- به آخرین توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول توجه بیشتری مبذول شود.

۲- چون توزیع کنندگان عمده تولیدات فولاد مبارکه و پتروشیمی‌ها و سایر صنایع از ضوابط تشویقی کافی برخوردار نیستند و همین امر موجب شده فی‌المثل توزیع کنندگان محصولات فولاد مبارکه در سال ۷۳ فقط ۱۲۰ میلیارد تومان سود ببرند، پیشنهاد می‌کنم هرگونه عامل بازدارنده از سر راه ایشان برداشته شود.

۳- پیمان ارزی مجدداً حذف شود و دولت اجازه دهد واردکنندگان و صادرکنندگان مانند سالهای گذشته هرچه می‌خواهند وارد یا صادر کنند. پیشنهاد



رتال جامع علوم انسانی



تندود
TANDOD

پوشاک مردان امروز

ما به تجربه طولانی و نیز ابتکار و نوآوری
پرسنل متخصص و هنرمند خود متکی
هستیم. حاصل این اندوخته ارزشمند،
آمیزه ای است از یک پشتوانه کلاسیک
و یک نوآوری مدرن.

خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی، شماره ۷۵
تلفن: ۸۰۳۸۱۱۱ - ۸۰۳۳۰۶۴

تکمیلی این است که با تدوین مقررات تشویقی، واردکنندگان به واردات کالاهائی نظیر اتومبیل، شوکولات، کولاها، موز، البسه بویکی، اسباب بازی، اشیاء لوکس و... تشویق شوند.

۴- دست مدیران شبکه بانکی در واگذاری اعتبارات کاملاً باز گذاشته شود. نباید اجازه داد وقایع بی اهمیتی نظیر ماجراهای بانکهای صادرات- تجارت و سپه، مدیرتهای بانکی را زیر سؤال ببرد و موجب تزلزل در تصمیم گیری های ایشان شود. هد کلیه سوسیدها یکباره قطع شود... پیشنهاد مشخص بنده این است با تصویب یک ماده واحده افزایش قیمت هائی که در مورد کالاها و خدمات دولتی بطور تدریجی و تا پایان اجرای برنامه دوم پیش بینی شده، دفعتاً واحده به مرحله اجرا گذاشته شود، زیرا پس از پایان این گردهمایی تکلیف معدود فقرای باقیمانده هم روشن خواهد شد و مسخره خواهد بود در کشوری که فقیر ندارد، پرداخت سوسید ادامه یابد.

۶- دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور از دخالت در کار وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی منع شوند تا مدیران لایق، بی غرض و متعهد آنها بدون ترس و لرز به انجام خدمات خداپسندانه خود ادامه دهند.

۷- فروش شرکتهای و صنایع دولتی به همان سیاقی که در ابتدا آغاز شد، و متأسفانه اکنون روند آن کمی کند شده، ادامه یابد. نباید به صرف نوشتن چند روزنامه مغرض یا شایعه پراکنی افراد مخالف توسعه و آزادسازی اقتصادی، برادران خدمتگزاری را که قصد دارند زحمت اداره این واحدها را از دوش دولت بردارند، از انجام نیت مقدسشان باز داشت.

۸- دست کلیه وزراء- مدیران دولتی و نهادهای برای استقراض خارجی- خرید یوزانس- فاینانس- بای یک و هر نوع معامله خارجی دیگر باز گذاشته شود.

۹- بانک مرکزی مجدداً واگذاری پنج هزار دلار ارز به اشخاص را از سر گیرد. در این راستا انجام دو اقدام توصیه می شود: الف) چون برادر عادل در این زمینه تبحر کافی دارند از سفارت کانادا معاف شوند و ضمن اهدای عالیترین نشان خدمت به ایشان، کما فی السابق به عنوان وردست به آقای نوربخش کمک کنند. ب) در صورت نبودن ارز کافی می توان از راه حل استقراض استفاده کرد.

۱۰- ضمن دادن خودمختیاری کامل به مناطق آزاد و حراست شده موجوده، سریعاً یک دو جبین دیگر از این مناطق در سراسر کشور تأسیس شود.

۱۱- از تجارب برادر روغنی زنجانی و تیم ایشان که زحمت تدوین برنامه های اول و دوم را متحمل شدند، و ما بخش عظیمی از ترقیات کنونی کشورمان را مدیون ایشان هستیم، استفاده بیشتری شود.

۱۲- صادرات سنگ پای قزوین اکیداً ممنوع شود. زیرا این سنگ یک کالای استراتژیک است و در آینده به تمامی ظرفیت استخراج و عمل آوری آن، در داخل نیاز خواهیم داشت.

با تشکر از برگزارکنندگان این گردهمایی پر بار علمی و عرض سپاس نسبت به حضار محترمی که با حوصله به عرایض بنده توجه فرمودند.

امضاء

